

تبیین قیام ترکمن‌های استرآباد علیه روس‌ها در سال ۱۹۱۶ میلادی

ستاربردی فجوری^۱

رجبعلی وثوقی مطلق^{۲*}

امید سپهری راد^۳

چکیده

۳۵۶

از جمله وقایعی که در اواخر دوره قاجار در ایالت استرآباد روی داد، قیام ترکمن‌ها به همراه سایر اهالی ایالت استرآباد علیه روس‌ها در سال ۱۹۱۶ م. بود. روس‌ها در خلال جنگ جهانی با اشغال نواحی شمال ایران سعی داشتند در این سوی مرز با اجیر کردن جوانان ایرانی آن‌ها را به جبهه‌های جنگ اعزام نمایند، این مهم باعث قیام ترکمن‌ها علیه روس‌ها گردید. این مقاله بر آن است تا با استفاده از روش تحقیق تاریخی که مبتنی بر توصیف و تحلیل می‌باشد، و با طرح این سؤال که علت حضور روس‌ها در درون خاک ایران چه بود و ترکمن‌ها و اهالی استرآباد علیه روس‌ها چه واکنشی نشان دادند؟ به بررسی زوایای مختلف قیام ترکمن‌های استرآباد بپردازد. پاسخ فرضی مطروحه این است که شورش علیه روس‌ها ریشه در سیاست‌های استعماری آن دولت مبتنی بر سربازگیری از میان ترکمن‌ها و سایر اهالی استرآباد جهت اعزام به جبهه‌های جنگ اول جهانی داشته که با مقاومت ترکمن‌های ایالت استرآباد مواجه شده است. هدف کلی این تحقیق بررسی علل و عوامل پدیداری این مسأله و چگونگی وقوع آن و اهداف دولت روس در این سوی مرزها می‌باشد. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که در این میان دولت مرکزی ایران نیز منفعل بوده و حمایت خاصی را از اتباع خود در مقابل روس‌ها ننمود. روش پژوهش این نوشتار توصیفی تحلیلی بوده و با استفاده از منابع اسنادی به جمع‌آوری داده‌های پژوهش همت گمارده شده است.

واژگان کلیدی: ایران، روسیه، ایالت استرآباد، ترکمنان، قیام، جنگ جهانی اول

۱. دانشجوی دکتری تاریخ، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران.

۲. استادیار گروه تاریخ، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران.

* ra.motlagh@yahoo.com

۳. استادیار گروه تاریخ، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۱۹

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره دوازدهم، شماره پیاپی چهل و پنج، صص ۳۶۵-۳۷۸



فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره دهم، شماره

چهارم، شماره

پیاپی چهل و نه،

زمستان ۱۳۹۹

ایالت‌های مرزی در عصر قاجار همواره کانون بحران و آشوب برای حکومت بودند. در طول تاریخ، مرزهای شمالی و شمال شرقی برای ایران زمین یکی از کانون‌های مولد بحران بوده‌است. به طوری که حفظ امنیت و تسلط بر اوضاع مرزهای شمال شرق یکی از مهمترین دغدغه‌های خاندان‌های حکومتگر ایرانی بوده است. در دوران قبل از اسلام، حملات سکاها و هبطلیان از نخستین تهاجمات به این منطقه بود که در نهایت با ساختن دیوارهای قزل آلان و همیشه اندکی از آثار مخرب حملات آن‌ها به نواحی آباد و معمور شمال شرق کاسته شد. پس از اسلام نیز حملات ایلات ترک نژاد آسیای میانه کماکان ادامه یافت، تا این که به مدد اختراع توپ (گروسه، ۱۳۷۹: ۸) و ظهور قدرت‌های جدید نظامی این ایلات مجبور به یکجا نشینی و ترک مخاصمه گردیدند. هم‌زمان با تشکیل دولت قاجار در ایران، حضور دولت روس و تسلط آن بر خانات آسیای مرکزی در خلال دوره‌های ضعف تاریخی دولت مرکزی ایران، بر ثبات و آرامش ظاهری منطقه افزود. این دولت با شکست مقاومت ترکمنان در گوگ‌تپه و قتل عام آنان و در نهایت با تحمیل قرار داد آخال در سال ۱۸۸۱ م در سواحل شرقی دریای خزر با ایران عصر قاجار همسایه گردید. (وزارت‌امور خارجه، ۱۳۷۲: ۱۹۴) پس از آن نیز با توجه به شرایط سعی داشت در فرصت‌های مناسب در امور داخلی ایران مداخله نموده و جهت نیل به اهداف استعماری خود، برنامه ریزی نماید. از جمله حوادثی که در اواخر دوره قاجار در ایالت استرآباد بر اثر مداخلات روس‌ها روی داد، قیام ترکمن‌ها به همراه سایر اهالی ایالت استرآباد علیه روس‌ها بود. علت حضور روس‌ها در درون خاک ایران چه بود و ترکمن‌ها و اهالی استرآباد علیه روس‌ها چه واکنشی نشان دادند؟ شورش ترکمن‌ها علیه روس‌ها ریشه در سیاست‌های استعماری آن دولت مبتنی بر سربازگیری از میان آنان و سایر اهالی استرآباد جهت اعزام به جبهه‌های جنگ اول جهانی داشته که این اقدام با مقاومت ترکمن‌های ایالت استرآباد مواجه شده است. روش تحقیق در پژوهش حاضر، مبتنی بر روش تاریخی، مبتنی بر رویکرد توصیفی و تحلیلی است. در این رویکرد هم به علتها و هم به چگونگی‌ها با توصیف شرایط یا پدیده‌های مورد واکاوی پرداخته می‌شود. داده‌های این مقاله به شیوه کتابخانه‌ای و از لابلای کتب تاریخی،

سفرنامه‌ها، مطبوعات و اسناد گردآوری شده و همچون همه پژوهش‌های استاندارد تاریخی ضمن توصیف، از تفسیر، تبیین و تحلیل بهره گرفته شده تا علل ورود روس‌ها به استرآباد، پیامدهای آن و واکنش اهالی ترکمن منطقه در برابر این اقدام را بررسی نماید.

۱. جنگ جهانی اول و تاثیرات آن در ایران

جنگ جهانی اول در ژوئیه ۱۹۱۴ م. آغاز شد. در ابتدای جنگ بسیاری از کشورها از جمله ایران اعلام بی‌طرفی کردند. مستوفی‌الممالک به رئیس‌الوزرائی برگزیده شد، در همان زمان نیروهای عثمانی که جزو متحدین بودند به خاک ایران حمله کردند و این یورش باعث شد تا نیروهای تزاری روسیه به بهانه مقابله با عثمانی‌ها، شمال و انگلیسی‌ها جنوب کشور را به اشغال خود درآورند. (نظری، ۱۳۹۷: ۸۴) در این زمان در ایران چنان بحرانی بود که تغییر کابینه‌ها هم نتیجه‌ای نداشت. در طی مدت یک‌سال کابینه‌های مشیرالدوله، عین‌الدوله، مستوفی، فرمانفرما و سپهسالار اعظم قدرت را به دست گرفتند، اما هیچ کدام از کابینه‌ها نتوانستند در مقابل امواج حوادث مقاومت نمایند و مجبور به کناره‌گیری شدند. (آبادیان، ۱۳۹۵: ۶۲) آتش جنگ در همه‌جا و در شمال کشور ایران نیز شعله‌ور شد. در شهریور ماه کمیسر روس در گنبد سواران ترکمن موسوم به جکت^۱ را احضار کرده و قصد اعزام آن‌ها به جنگ را داشت که مورد پذیرش آنان قرار نگرفت. در مقابل، کمیسر روس نیز آنان را به جهت تنبیه، خلع سلاح کرده به زندان فرستاد. عده‌ای از سران طوایف ترکمن یموت به تهران رفته از تعدی و تجاوز روس‌ها شاکی شدند. (مقصودلو، ۱۳۶۳: ۴۱۴)

مدتی بعد ارامنه اتباع روس که در بندر جز بودند برای جنگ اعزام شدند، اما بسیاری از آن‌ها به بهانه‌های مختلف از بادکوبه مراجعت کردند. هم زمان درگیری و نزاع ترکمن‌ها نیز ادامه داشت، به گونه‌ای که دو نفر ترکمن در گمش‌تپه با روس‌ها به نزاع پرداختند. رامیانی‌ها هم به شدت در مقابل روس‌ها به مقاومت و پایداری پرداخته از ورود کمیسر روس به رامیان جلوگیری کردند. از طرف دیگر هر روز قزاق‌های روس وارد منطقه شده اهالی را در تنگنا قرار می‌دادند. هم‌چنین افرادی از طرف کمیسر روس در بین ترکمانان

^۱ سواران ترکمن که در خدمت روس‌ها بودند.

جعفربای گردش کرده، در راستای تأمین سرباز و مایحتاج دیگر و با هدف کسب اطلاعات دقیق از موقعیت و توانایی ترکمن‌ها، لیستی از دارائی، اسب و شتر آنان تهیه کردند. (مقصودلو، ۱۳۶۳: ۴۲۰-۴۱۵) پس از تهیه گزارش نسبتاً دقیق از ترکمانان، در آذر ماه، روس‌ها درخواست هزار نفر سوار جکت ترکمان را جهت اعزام به جبهه‌های جنگ نموده (مقصودلو، ۱۳۶۳: ۴۲۸) و در آوریل ۱۹۱۵ م. برای جمع‌آوری اعانه از ترکمن‌ها اقدام کردند. دولت‌بردی‌خان، اگنط^۱ روس را مأمور کردند که از ترکمن‌های ثروتمند نفری پنج الی بیست تومان وجه نقد جمع‌آوری نماید. در همان ایام دولت عثمانی که با روس‌ها در جنگ بود به قضات بخارا نامه نوشته به دلیل هم‌مذهب بودن، خواهان شورش آن‌ها علیه روس‌ها گردید. از طرف دیگر روس‌ها هم تصمیم داشتند که از طوایف خیوق و تکه، سوار گرفته و به جبهه اعزام نمایند، اما تراکمه هم قسم شده بودند که مقاومت کرده بر علیه روس‌ها شورش نمایند. (مقصودلو، ۱۳۶۳: ۴۴۵)

با آغاز سال ۱۹۱۶ م. که هم‌زمان با دومین سال شروع جنگ جهانی اول بود در ترکستان قیام‌هایی علیه روس‌ها به وقوع پیوست. روس‌ها برای این قیام‌ها اقدام کردند. یکی از این قیام‌ها، قیام خان‌جنید بود که بعدها به داخل ایران هم کشیده شد. در نیمه دوم فوریه سال ۱۹۱۶ م. ژنرال گالکین از طرف روس‌ها برای سرکوب این قیام راهی خیوه شد. اما خان‌جنید بدون هرگونه درگیری از مقابل او گریخت. گالکین هم ضمن تحمیل غرامتی سنگین به ترکمن‌ها، تعدادی از روستاهای آن‌ها را سوزانده و ساکنانش را قتل‌عام کرد. (یاروشوسکی، ۱۳۹۲: ۲۷) با شیوع اخبار قتل‌عام ترکمن‌ها توسط روس‌ها، سایر طوایف ترکمن نیز در مقابل روس‌ها، موضع گرفته و در صدد دفاع از خود در مقابل زیاده‌خواهی‌های آنان برآمدند.

روس‌ها که سعی داشتند با مسالمت‌آمیز نیروی مورد نیاز خود را تأمین، با ورود کشور آلمان به جنگ، مجبور شدند تا به اتباع خود جهت اعزام نیروهای جنگی فشار بیشتری وارد کنند. از طرف دیگر مناطق ترکمن‌نشین این سوی مرز نیز نا آرام بود، به طوری که در یکی از این درگیری‌ها، دو هزار ترکمن به دهانه عباس‌آباد و روستاهای اطراف حمله

^۱ نماینده، رایزن.

کردند. تا این که از طرف دولت مرکزی ایران، منصور نظام با سوار و استعداد لازم برای جلوگیری از آن‌ها اعزام شد. (روزنامه ارشاد، ۱۳۳۴: ۲)

۲. تحرکات روس‌ها در قلمرو خاک ایران

ورود روس‌ها به خاک ایران در حقیقت از سمت غرب کشور از دسامبر ۱۹۱۵ م. آغاز شد. آنان به تدریج تا همدان پیش آمدند و تا مارس سال ۱۹۱۶ م. نیز کرمانشاه و گزند را به تصرف خود در آوردند. سپس با هماهنگی فرمانده قشون انگلیس به حملات خود ادامه داده پس از تصرف قصرشیرین وارد عراق (بین‌النهرین) شدند. (میروشنیکف، ۱۳۴۴: ۶۶) در شرق دریای خزر نیز، شب اول‌ماه مارس ۱۹۱۶ م. قنسول روس، ژنرال پاتایف به همراه سایر صاحب منصبان روسی و کارگزاران روسی در دیوانخانه فرنگی مهمان حاکم استرآباد امیر اکرم شدند. (مقصودلو، ۱۳۶۳: ۴۸۶) این نشست در صدد مقدمه چینی جهت درخواست نیروهای کمکی، اسلحه، اسب و... برای روس‌ها بود. در ماه آوریل ۱۹۱۶ م. طی نامه‌ای که قنسول روس به کارگزار استرآباد نوشت عنوان کرد که به جهت نبودن عملیات در خاک روسیه، کارخانجات بسته شده است. دولت روس دوستانه خواستار اعزام چهل هزار کارگر از طرف دولت ایران است، به هر نفر نیز معادل هشت منات کمک و مساعده و روزی یک منات و ده کوپیک اجرت داده خواهد شد. کارگزار نیز اعلام کرده که سیصد نفر برای این کار ثبت نام کرده‌اند. روس‌ها برای تأمین نیروی کارگر خود به منطقه استرآباد وارد شده بودند و کم‌وبیش درگیری‌های آن‌ها در نقاط مختلف به گوش می‌رسید. به طوری که خبر می‌رسید نیروهای روس دست به غارت مزارع ترکمن‌های ایران زده‌اند. (سارلی، ۱۳۹۵: ۳۱۳؛ مقصودلو، ۱۳۶۳: ۴۹۲-۴۸۹)

به دنبال درگیری‌هایی که در دوم‌ماه آوریل روی داد، دوهزار و پانصد نفر قزاق روس از بندر مشهد سر^۱ به سمت شیرگاه حرکت کردند. امیرمؤید با عده‌ای سوار و سرباز با روس‌ها مقابله کرد. پسر امیرمؤید در این درگیری کشته شد. در بیست و سوم‌ماه می ۱۹۱۶ م. روس‌ها به منظور آگاهی از استعداد نیروی ترکمن‌ها و نیز بر آورد جمعیت آن‌ها به استرآباد وارد شده و پیرامون جمعیت و میزان مالیات پرداختی توسط ترکمن‌های

^۱ بابلسر فعلی، یکی از شهرهای استان مازندران.

بیموت تحقیقاتی را انجام دادند. (مقصودلو، ۱۳۶۳: ۴۹۲-۴۸۹؛ سارلی، ۱۳۹۵: ۳۱۳) به عقیده لوگاشوا، درگیری‌های بعدی ترکمن‌ها نشان داد که آن‌ها به جنبش فعالانه خود به خودی دهقانانی علیه حکومت روس کشانیده‌اند که از قزاقستان آغاز و سپس کل ترکستان را فرا گرفت. (لوگاشوا، ۱۳۵۹: ۱۳۳) در گزارشی که رئیس ولایت ماوراءخزر به تاشکند ارائه نمود، بر لزوم استفاده از قوه قهریه جهت مطیع ساختن ترکمنان تاکید شد. رئیس بخش کراسنودسک نیز در ژوئن سال ۱۹۱۶ م. اعلام کرد که ترکمن‌های بیموت همین که از فرمان بسیج آگاهی پیدا کنند به دشت گریخته از دادن کارگر امتناع خواهند کرد.

۳۶۱

در هر حال حکومت روسیه در ۲۵ ژوئن ۱۹۱۶ م. بسیج مردان سرزمین‌های مستعمره امپراتوری خود را برای کارکردن در پشت جبهه برای حفر سنگرها، خدمت در راه آهن و کارخانه‌های نظامی و غیره را خواستار شد. گورپاتکین والی ترکستان در راستای اجرای این فرمان بلادرنگ اعلام کرد که افراد ۱۹ تا ۴۳ ساله جهت اعزام به اردوگاه‌های کار و خدمات جنگی آماده باشند. طی اطلاعیه‌ای از کلیه قومیت‌ها و ملیت‌های تابعه امپراطوری تقاضای مشارکت شد. این مساله پس از طرح در جلساتی که در تاشکند و عشق آباد برگزار شد، نحوه جذب افراد مورد بررسی قرار گرفت. (سارلی، ۱۳۸۳: ۱۷۳) این تصمیمات در همان روزهای نخستین با واکنش منفی ترکمن‌ها روبه‌رو شد. آن‌ها در ابتدا جهت جمع آوری نیرو یک فرصت یک ماهه را خواستار شدند، ولی پس از سپری شدن فرصت یک ماهه نیز از همکاری با روس‌ها امتناع کرده و فرمان تزار روس را تحریم کردند. (نصیری‌مقدم، ۱۳۷۴: ۱۷۶)

در چنین شرایطی مرزهای بین دو کشور مالکیت خود را از دست دادند. ترکمن‌های دو سوی مرز به هم پیوستند. روس و انگلیس مناطق شمالی و جنوبی ایران را متصرف شدند. ترکمن‌ها از شرایط به وجود آمده استفاده کرده، اعلام کردند که دولت ایران را به رسمیت نمی‌شناسند، آن‌ها از دادن مالیات خودداری کردند. شرایط به وجود آمده فرصتی جهت مهاجرت ترکمن‌های روسیه به خاک ایران را پدید آورد. (معطوفی، ۱۳۸۴: ۲۸۵-۲۸۶) بسیاری از ترکمن‌های روسیه به خاک ایران مهاجرت کردند. به این ترتیب جنگ و درگیری بین ترکمن‌ها و روس‌ها لاجرم قطعی شد. (لوگاشوا، ۱۳۵۹: ۱۳۳-۱۳۳)



تبیین قیام
ترکمن‌های استرآباد
علیه روس‌ها در
سال ۱۹۱۶ میلادی

(۱۳۴) در اوایل ماه آگوست ۱۹۱۶ م. ترکمن‌های خیوه به دلیل ممانعت از دادن سوار به روس‌ها با آنان درگیر شدند. چند نفری از روس‌ها را کشتند، اما عاقبت شکست خوردند. آن‌ها مجدد در فکر تهیه اسلحه برای جنگ با روس‌ها شدند. (مقصودلو، ۱۳۶۳: ۵۰۰) از نیمه دوم همین ماه پایداری پنهان در برابر بسیج کارگران به خشمی آشکار تبدیل شده در این میان ترکمن‌های اترک در مقابل کلانتر منطقه چکیشلر که به بخش پاسگاه قربان‌گزر برای فهرست‌بندی کارگران بسیج شونده آمده بود، پایداری و مقاومت کردند. ترکمن‌ها به سوی سربازان تیراندازی کردند که در اثر آن دو سرباز کشته و سه سرباز نیز زخمی شد. ترکمن‌ها خطوط ارتباط تلفنی چکیشلر را قطع کردند. از طرف دیگر به روس‌ها دستور داده شده بود که از بندرحسقلی، چکیشلر و اترک، از هفت خانه دو نفر سوار با اسب بگیرند که ترکمن‌ها موافقت نکردند و به مقاومت پرداختند. با آغاز ماه سپتامبر ۱۹۱۶ م. ترکمن‌ها به تهیه اسلحه مبادرت ورزیدند. به این ترتیب قیمت اسلحه نیز بالا رفت. ترکمن‌ها تفنگ‌های خریداری شده را به اترک حمل کردند تا برای دفاع در مقابل روس‌ها آماده شوند. آن‌ها به هیچ وجه راضی نبودند که به روس‌ها سوار بدهند، بلکه معتقد بودند که جوانانی که به جنگ می‌روند، برنخواهند گشت. بهتر است همین جا از خانواده و یورت خود دفاع کرده، کشته شوند. ترکمن‌ها در اترک تجمع کرده آماده جنگ شدند، از طرف دیگر قونسول روس در استرآباد نیز فروش تفنگ به آن‌ها را قدهغن نمود. در اول ماه سپتامبر، درگیری و نزاعی دیگر بین ترکمن‌ها و روس‌ها اتفاق افتاده و چهار نفر از روس‌ها مقتول و یک نفر افسر نیز به دست ترکمن‌ها به اسارت در آمد. از ترکمن‌ها نیز یک نفر مجروح و یک نفر کشته شد. ترکمن‌ها وقتی که به گمیش‌تپه رسیدند، افسر روسی را آزاد کردند. از ترکمن‌های چمور نیز، انتظار می‌رفت که بر علیه روس‌ها قیام کنند. بلافاصله روس‌ها اعلام کردند هشت‌هزار نفر قشون روس به مناطق استرآباد، مازندران، گنبدقاپوس و شاهرود وارد خواهند شد. (مقصودلو، ۱۳۶۳: ۵۰۱-۵۰۴) در بیست‌سپتامبر ۱۹۱۶ م. کمیسر روسی، ریش‌سفیدان و بزرگان اترک را به گنبد احضار کرده و آن‌ها را تهدید کرده، نیرو درخواست کرد و اعلام نمود که آن‌ها را راهی جنگ نخواهند کرد. ترکمن‌ها نیز دوماه مهلت خواستند. روز بعد، روس‌ها وارد قره‌سو شدند. آن‌ها به همراه خود چند عراده توپ‌شیندر و توپ‌دستی و

جعبه‌های فشنگ داشتند که تمایل آن‌ها به درگیری و جنگ را نشان می‌داد. (سارلی، ۱۳۸۳: ۱۷۸) خیل زود ششصدنفر سالدادا^۱ وارد استرآباد شدند. شانزده نفر صاحب منصب با رئیس قشون جدید، تمام کاروانسراهای شهر را در اختیار گرفتند. پس از آن قشون خود را در بازار به نمایش گذاشتند. پس از چند روز نیز قشون روس در بیرون شهر مستقر شد. (مقصودلو، ۱۳۶۳: ۵۰۵) اکتبر ۱۹۱۶ م. روسا و ریش‌سفیدان ترکمن‌های جعفربای به استرآباد آمده، اظهار بی‌طرفی نموده و از عدم همراهی با ترکمن‌هایی که با روس‌ها نزاع می‌کنند را خبر دادند. (وزارت‌امور خارجه، ۱۳۷۲: ۳۴۰)

۳۶۳

۳. درگیری نظامی ترکمن‌های ایران با روس‌ها

در چنین شرایطی، اوضاع منطقه روزبه‌روز وخیم‌تر می‌شد. استقرار نیروهای روسی در منطقه باعث رعب و وحشت اهالی شده بود و هر آن شرایط آستان درگیری و جنگ را می‌داد. در اوایل سپتامبر ۱۹۱۶ م. در منطقه استرآباد و گرگان، سران طوایف مختلف ترکمن بر عملیات خود بر علیه مهاجران روسی مستقر در منطقه و نیز قشون روسی به توافق‌هایی رسیده بودند. (قائمی، ۱۳۸۸: ۱۴۲) ترکمن‌ها به سرقت دام‌های برخی از روستاهای روسی در کنار رودخانه گرگان اقدام کردند. در نزدیکی استرآباد درگیری‌ها شدیدتر شد و به سوی قزاق‌ها آتش گشودند. پس از تصرف آق‌قلعه به مقابله با روس‌هایی پرداختند که از طرف استرآباد برای مقابله با آن‌ها مهیا شده بودند. روس‌ها با تکیه بر امکانات برتر توپ و تجهیزات دیگر دژ آق‌قلعه را از ترکمن‌ها پس گرفتند و ترکمن‌ها با دادن تلفات ناگزیر گریختند. گروه‌های مسلح ترکمن نیز در کنار رودخانه‌گرگان سه دهکده روسی را تاراج کرده و به روس‌های دیگر حمله کردند. به ناچار اهالی روستاهای دیگر روسی تحت‌حمایت قشون روس به نزدیکی‌های گنبدقابوس منتقل شدند. ترکمن‌ها در تمام ماه‌اکتبر در جاهای مختلف با گروه‌های مسلح روس و پاسگاه‌های آن‌ها درگیر بوده حملات پی‌درپی و جسورانه‌ای داشتند به این ترتیب جنگ و مبارزه به مناطق دیگر نیز گسترش پیدا کرده و همه‌گیر شد. (لوگاشوا، ۱۳۵۹: ۱۳۵)

در گزارش امیراکرم حاکم استرآباد به تاریخ ۶ اکتبر ۱۹۱۶ م. در خصوص این درگیری‌ها آمده است که: «مقام منبع وزارت جلیله داخله دامت شوکته دیروز عده‌ای از قزاق‌های



تبیین قیام
ترکمن‌های استرآباد
علیه روس‌ها در
سال ۱۹۱۶ میلادی

^۱ سربازان روسی.

روسی به سمت صحرا رفته در نزدیکی قره‌سو بر می‌خورند به یک عده از سوار ترکمان بین‌شان منازعه می‌شود یک نفر قزاق روس زخمی می‌شود دوهزار از ترکمان مراجعت به صحرا کرده قزاق‌ها عودت به شهر استرآباد نموده علی‌العجاله طرفین ساکت شده آدمی برای تفتیش فرستاده بودم مراجعت نموده از چاروا متمردين قریب دوهزار خانوار در سنگ‌سواد هستند یک عده هم در آلتین چخماق نزدیکی گمش‌تپه هستند مجدداً چاکر آدم فرستادم صحرا که ترکمان‌های تبعه ایران را از بعضی خیالات منصرف نمایند سابق استدعا کرده بودم که امر فرمائید اسلحه و ملزومات و حقوق این عده سوار و سرباز را زودتر برسانند شاید این کار امتداد پیدا نماید لابد ترکمان‌های خائن بولایت دست‌اندازی خواهد کرد و برای جلوگیری لازم است قبلاً تهیه شود. ۱۳ میزان نمره ۱۷۱ امیر اکرم» (ساکما. ۲۹۳/۱۷۴۸)

پس از شکست و فرار ترکمن‌ها از آق‌قلعه و پراکنده شدن آن‌ها، حاکم استرآباد، امیر اکرم به تهران گزارش داد که: «مقام منبع وزارت جلیله داخله دامت شوکه یک عده از اردوی دولتی بهیه که به تعاقب اشرار رفته بودند تا آق‌قلعه، امروز مراجعت نمودند. حالیه همه جا امن است ساکت هستند. جواب کاغذهایی که چاکر به ایلات نوشته بودم و منع بعضی اقدامات کرده بودم امروز رسید. اغلب اظهار اطاعت و انقیاد نموده چاکر با قنسولگری محترم (روس) مشغول مذاکره هستم که برای آن‌ها تأمین گرفته ان شاءالله به این کار خاتمه داده شود. هرچه سریعتر عرض می‌نمایم.» ۱۸ میزان نمره ۱۸۱-امیراکرم. (بیات، ۱۳۸۱: ۳۶۳)

اما گزارش‌های بعدی حکایت از درگیری و جنگ دارند، نه سکوت و اطاعت و انقیاد که امیراکرم از آن سخن می‌گوید. گزارش‌ها بیانگر این نکته هستند که حاکم استرآباد هم با روس‌ها همدست بوده و علاقمند بود که ترکمن‌ها در این نبرد شکست بخورند. ترکمن‌ها در این جنگ‌ها شامل ترکمن‌های مقیم خاک روسیه و ایران بودند. در این میان ترکمن‌های مقیم خاک روسیه به مبارزه مسلحانه با روس‌ها مبادرت ورزیده بودند، نه ترکمن‌های ایرانی. حال آن که حاکم استرآباد نزد ترکمنان ایران، آدم فرستاده آن‌ها را از درگیری و نبرد بر حذر می‌داشت. اسناد بعدی حکایت از حمایت‌های امیراکرم از روس‌ها دارد او در همین راستا شش هزار بار چوب و نی و گالی از بلوک سدن رستاق

و استرآباد جمع آوری نموده، در جهت ساخت اردوی قشون روس مهیا کرد. حال آن که رعیت استرآباد از این اقدام حاکم فریادشان بلند شده بود. (مقصودلو، ۱۳۶۳: ۵۰۷) شرایط کم‌کم رو به بهبودی پیش می‌رفت و دایره آتش‌جنگ کوچک‌تر می‌شد که باری قتل آقا محمدترکمان رئیس طایفه دوگونچی به همراه برادرزاده‌اش توسط روس‌ها که پس از دریافت حق ساخلویی^۱ خود در حال مراجعت به منزل خود بودند، اوضاع را برای رسیدن به صلح سخت‌تر کرد. قلیچ‌ترکمان برادر آقامحمد، سه نفر مرد و زن روسی را که از گنبد راهی استرآباد بودند به قتل رساند. رؤسای تراکمه چمور که اتباع ایران بودند و قصد شرارت نداشتند پس از این واقعه، تماماً آماده جنگ شده به قونسول روس نوشتند که دیگر بین ما و شما اصلاح‌پذیر نخواهد بود. غروب همان روز ۲۵۰ نفر از سالداد روس با دو عراده توپ به سمت رودخانه قره‌سو حرکت کرده و تا صبح به تیراندازی مشغول شدند. (مقصودلو، ۱۳۶۳: ۵۰۸-۵۰۷)

در میانه‌های ماه اکتبر روس‌ها با دو عراده توپ پس از عبور از پل حاجی‌قارا با ترکمن‌هایی مواجه شدند که کمین کرده بودند. ترکمن‌ها به صورت غافلگیرانه آن‌ها را به گلوله بستند، سی نفر از سالداد را به قتل رساندند. روس‌ها که با دو عراده توپ بزرگ راهی نبرد شده بودند، سه‌شنبه‌روز درگیری و جنگ ادامه داشت. ترکمن‌های آتابائی به جهت این که کمکی به آن‌ها نرسید، مجبور شدند زن و بچه‌های خود را به شمال رودخانه‌گران بفرستند. آق‌قلعه به تصرف روس‌ها درآمد. پولکنیک فرمانده روس‌ها دستور داد که نزدیک به دویست آلاچیق ترکمن‌ها را به آتش کشیده اموال آن‌ها را غارت کرده، هشتاد رأس گاو، پانصد رأس الاغ و سه گاری لوازمات از قبیل پلاس،^۲ قالی، مس و پشمینه آلات را ضبط کرده در شهر به فروش گذاشتند. در این جنگ سه نفر از صاحب منصبان روس و بیش از چهل نفر سالداد نیز کشته شدند، اما از ترکمن‌ها فقط دونفر کشته شد. قوای کمکی چهارصد نفری ترکمن‌ها وقتی به صحنه جنگ رسیدند که دیگر دیر شده و جنگ تمام شده بود و روس‌ها به استرآباد مراجعت کرده بودند. (مقصودلو، ۱۳۶۳: ۵۰۸) در این بین حاکم استرآباد امیراکرم به ترکمن‌های تبعه ایران

^۱ حقی که ترکمن‌ها به جهت حفاظت از دام و یا مراتع روستاهای فارس نشین از آنان دریافت می‌نمودند

^۲ نوعی گلیم ترکمنی.

پیک فرستاد که شما وارد جنگ نشوید. اگر به متمردين مساعدت نکنید قشون روس به هیچ وجه با شما کاری ندارد. (بیات، ۱۳۸۳: ۳۶۲) اما واقعیت این نبود و روس‌ها به هر ترکمنی که می‌رسیدند، خلع سلاح نموده و اموالش را به غارت می‌بردند. شانزدهم ماه اکتبر ۱۹۱۶ م. قونسول روس به حکومت اظهار کرد که برای جلوگیری از شرارت ترکمن‌ها چهارهزار قشون به گنبدقابوس و چاتلی اعزام خواهند کرد تا این که ترکمن‌ها را به شدت مجازات کنند. روس‌ها خود را ملزم می‌دانستند که از ترکمن‌ها سوار گرفته آن‌ها را به جنگ اعزام نمایند. (مقصودلو، ۱۳۶۳: ۵۰۹) حال آن که بعضی از ترکمن‌ها نیز با روس‌ها همکاری داشتند. یکی از این افراد شوخ بای^۱ معروف بود که نزدیک به صد بار آرد و قورخانه را برای روس‌ها تدارک دیده بود. روس‌ها برای تقویت جبهه گنبدقابوس، توسط ۱۵۰ نفر شتر از قورخانه آرد، قند، توپ و چند بار تفنگ پنج‌تیر از راه تازه شهر حمل کردند که دویست نفر قزاق هم مستحفظ داشت. اما ترکمن‌ها با تفنگ و شمشیر به آن‌ها حمله کردند. هفت نفر از ترکمن‌ها کشته شد و نزدیک به چهل نفر هم از قزاق‌ها کشته شدند که در نهایت روس‌ها فرار کردند. ترکمن‌ها شترها را به سنگسواد که محل اردوی خودی بود، بردند. (مقصودلو، ۱۳۶۳: ۵۱۰-۵۰۹)

در اواخر اکتبر ۱۹۱۶ م. ترکمن‌ها نتوانستند با روس‌ها به صلح پایداری برسند حال آن‌که به توافق‌هایی جزئی رسیده بودند. بنابراین چاروادارهای تبعه روسی در زیر اترک و کنیک (گینگ‌جای)^۲ و حتی قره‌بلقان که هشت‌منزل مسافت دارد به حوالی رودگرگان آمده و ششصدنفر آن‌ها در محل سنگسواد بین استرآباد و گنبدقابوس ساکن شدند. حدود هشتاد نفر از سالداد، قزاق و مستخدم که در گنبدقابوس مستقر بودند از بیم حمله، به استرآباد فرار کردند. نزدیک به دوهزار و پانصد خانوار تراکه چاروا نیز زیر رودگرگان سه فرسخی^۳ شمال استرآباد مستقر شدند. (مقصودلو، ۱۳۶۳: ۵۰۶) در اکتبر و نوامبر سال ۱۹۱۶ م. ترکمن‌ها در چند محل قوای روسیه را شکست دادند. بنابراین روس‌ها جهت سرکوب و شکست قیام‌کنندگان، ابتدا نیرویی که شامل هشت هزار نفر

^۱ یکی از تجار و خوانین بزرگ ترکمن که در خواجه نفس زندگی می‌کرد. محمدعلی‌شاه به هنگام شورش خود جهت بازگرفتن تاج و تخت در منزل او سکونت نمود و معروف است که قسمتی از هزینه لشکرکشی خود را از او قرض گرفته است. (مصاحبه با عبدالغفور آهنگری، گنبدکاووس، آبان ۱۳۸۰).

^۲ محلی در نزدیک روستای سوزش از توابع شهرستان مراو تپه امروزی.

^۳ حدود ۱۹ کیلومتری

بودند به منطقه صحرا اعزام نمودند، بعدها شمار قوای اعزامی روس‌ها به پانزده هزار نفر هم رسید. در همین حین ژنرال مادریتوف به فرماندهی روس‌ها گماشته شد. نامه محرمانه کورویاتکین والی ترکستان در برگیرنده فرامین ضد انسانی بر علیه ترکمن‌ها بود (سارلی، ۱۳۸۳: ۱۸۰-۱۸۱) که به شدت هر چه تمام‌تر با ترکمن‌ها برخورد شود.

روس‌ها در خود شهر استرآباد نیز به زورگویی خود ادامه دادند. آن‌ها به منزل حاجی محمد زمان، تاجر استرآبادی رفته و شانزده عدد بشکه باروت در منزل وی را با عرابه به قونسولخانه بردند. سپس به دکانش رفته ضمن کتک‌کاری، زندانی‌اش کردند. در بین راه مردم و کسبه‌ها را چوب زدند تا در مقابل آن‌ها تعظیم کنند. دو قبضه تفنگ دو لول با دو قبضه هفت‌تیر و موزر از منزل سالاراشرف و یک تفنگ دولول هم از منزل سیدمفید به زور گرفتند. در بازار هم جارچی‌ها جار زدند که هر کسی باروت، تفنگ، فشنگ، ساچمه داشته باشد به دیوانخانه آورده تحویل دهد در غیر این صورت خانه او را تاراج خواهند کرد. (مقصودلو، ۱۳۶۳: ۵۰۹)

در ماه نوامبر گروه‌های مسلح ترکمن به فرماندهی باباقلیچ، شیخی‌خان دوجی و حسن خان به یموت‌های حاشیه دریای خزر پیوستند. قیام در منطقه دامنه بسیار گسترده‌ای پیدا کرد. برای سرکوب این قیام، گروه رزمی ژنرال ولکوونیکوف در ماه دسامبر سال ۱۹۱۶ م. نیروهای بزرگ شامل شش‌گردان و پانزده‌اسواران به فرماندهی ژنرال مادریتوف را اعزام کرد. (لوگاشوا، ۱۳۵۹: ۱۳۶-۱۳۵) از طرف دیگر قونسول روس در استرآباد گریگراف جی خود را به رشیداف داد. (مقصودلو، ۱۳۶۳: ۵۱۱) مادریتوف و افرادش، جنگ با ترکمن‌ها را آغاز کردند. ژنرال مادریتوف نه تنها با مردان بلکه با زنان و حتی کودکان هم می‌جنگید. او به سربازان خود اجازه داد که دار و ندار مردم را تاراج و نابود کنند. برای نمونه در آق‌قلعه او چادر کوچ‌نشینان را به آتش کشید، کشتزارها را نیست و نابود کرد، دام‌های آن‌ها را از بین برد. نسبت به مردم عادی هم رحم نکردند و به زنان اهانت کردند. در عملیات جنگی او پنج‌هزار اسب، صد هزار گوسفند، نمد و نقره غصب شد. خود مادریتوف ۶۴ پوت (پوط)^۱ نقره و ۸۳ پوت قالی یموت به یغما برد. (سارلی، ۱۳۸۳: ۱۸۳) به این ترتیب ترکمن‌ها شکست سنگینی را متحمل شدند، اما هیچ وقت از

^۱ یک پوط معادل ۵ من و نیم تبریز معادل شانزده و نیم کیلوگرم.

پای در نیامدند و مقاومت کماکان ادامه داشت. در حالی که چهارهزار نفر از نیروهای ترکمن در سنگ‌سواد آماده جنگ بودند و به هیچ‌وجه حاضر به صلح نبودند. آن‌ها سیم‌های تلگرافی را قطع کرده و چوب‌های آن‌ها را به آتش کشیدند. روس‌ها در حمایت از شوخ‌بای ترکمن، هشتاد نفر قزاق با یک عراده توپ مسلسل به خوجه‌نفس فرستادند، زیر حد پل حاجی یک‌لک گرفتار ترکمن‌ها شدند. یک صاحب‌منصب روس کشته شد جنگ تا صبح ادامه پیدا کرد. از طرف دیگر در گنبدقابوس، ترکمن‌ها محل استقرار رئیس کمیسیون گنبد را محاصره کردند. به مدت یک هفته آن‌ها را در محاصره داشتند، به محض خروج حتی یک نفر روس او را به قتل می‌رساندند. روس‌ها در غرب ترکمن صحرا نیز، از ترس ترکمن‌ها مدتی از راه گُردم‌حله عبور و مرور می‌کردند. بار دیگر ترکمن‌ها در امام‌زاده‌روشن‌آباد کمین کرده، کالای قماش متعلق به سرکیس مسیحی را به غارت بردند. این موضوع باعث شد که روس‌ها به مدت دوشبانه‌روز از طریق دریا به سواحل ترکمن توپ شلیک کردند. ترکمن‌ها نیرنگی بکار برده و شب را دویست چوب نزدیکی قراسو به زمین نصب کرده و روی آن کلاه ترکمنی خود را قرار دادند. روس‌ها به عادت همه شب بنای شلیک توپ گذاردند و تا صبح چهارصد تیر توپ شلیک کردند، اما صبح متوجه شدند که ترکمن‌ها به آن‌ها نیرنگ زده‌اند. درگیری روس‌ها در شرق استرآباد نیز ادامه داشت. اهالی روستاهای روس‌نشین که در زیر حد حاجیلر (مینودشت فعلی) سکونت داشتند، با حاجیلرها نزاع کردند. سیصد نفر از قشون روس با دو عراده توپ به حاجیلرها حمله کردند. طایفه گوگلان با خبر شده، پسر سیدقلیچ ایشان به کمک حاجیلرها شتافت. از طرف دیگر رامیانی‌ها نیز به امر مهدی‌شاه به کمک حاجیلری‌ها شتافتند، جنگی که از صبح شروع شده بود، هنگام ظهر با شکست روس‌ها و فرار آن‌ها به طرف گنبد تمام شد.

در ۱۱ دسامبر ۱۹۱۶ م. صدنفرشتر به انضمام قورخانه و لباس زمستانی که قشون روسیه از طرف چاتلی به گنبدقابوس فرستاده شده بود، توسط سیدنفر از ترکمان به غنیمت گرفته و به سنگ‌سواد فرستاده شد. نزدیک به پنجاه قبضه تفنگ‌پنج‌تیر و چندین جعبه فشنگ به تصرف ترکمن‌ها در آمد. این تجهیزات نظامی همانی بود که ترکمن‌ها بر علیه روس‌ها استفاده کردند. شب پانزدهم دسامبر ژنرال پاتایف از طریق بندرگز به

استرآباد وارد شد. یک روز بعد قشون روس با شش عراده توپ، دو عراده شصت تیر و چهار عراده توپ دستی به همراه پنجاه عرابه قورخانه و آذوقه به سمت آق‌قلعه حرکت کردند. از طرف دیگر اعلام کردند که دوهزار قشون از خط‌چکیشلر برای چاتلی و گنبد حرکت کرده و ترکمن‌ها را در سنگ‌سواد محاصره خواهند کرد. به این ترتیب پایان سال ۱۹۱۶ م. اوضاع به نفع روس‌ها رقم خورد و با اعزام قشونی مجهز به منطقه استرآباد همه چیز به نفع آن‌ها در شرف تمام شدن بود. (مقصودلو، ۱۳۶۳: ۵۱۹-۵۰۰) هر چند که ترکمن‌ها پیروزی‌هایی را کسب می‌کردند، اما به نظر می‌رسد به جهت نداشتن اتحاد مابین گروه‌ها و طوایف و رهبر واحد از بسیاری از پیروزی‌های خود بی‌خبر بودند. و این عدم هماهنگی‌ها باعث شکست نهایی شد.

۱-۳. درگیری در شرق ترکمن صحرا

در ۲۵ دسامبر ۱۹۱۶ م. قریب به هزارنفر از قشون روس مستقر در استرآباد به فرماندهی ژنرال مادریتوف به گوگ‌تپه و آق‌قلعه اعزام شدند، وی موفق شد که گروهی از ترکمن‌های چمور را خلع سلاح نماید. (وزارت‌امور خارجه، ۱۳۷۲: ۳۴۴) قشون روس پس از فتح و پیروزی‌هایی که در آق‌قلعه کسب کرد، قشون خود را به شرق ترکمن صحرا، گنبد و منطقه گوکلان‌نشین حرکت داد. این قشون مدت زمانی را در منطقه گنبد و گوکلان با ترکمن‌ها به زد و خورد پرداخت و در نهایت نیز توانست برخی از ایلات ترکمن را خلع سلاح نماید. (وزارت‌امور خارجه، ۱۳۷۲: ۳۴۶) با آغاز سال ۱۹۱۷ م. تقریباً جنگ در سواحل دشت دریای خزر فروکش شده بود. با ورود ژنرال ماگرید، نفس سردار ترکمن به همراه هفتصدخانوار جعفربایی خود به سمت کردستان (بجنورد) که اواخر خاک گوکلان بود کوچ کرد. سه‌تاچهارهزار ترکمن چاروا که در سنگ‌سواد بودند همگی به مناطق کنیک (گینگ‌جای)، قره‌بلقان، کوه‌های گلیداغ و سونقگی داغ که در آنجا سنگ‌هایی به مراتب بهتر از دشت داشتند، حرکت کردند. روس‌ها به آق‌قلعه و اوبه حاجی‌آخوند که از قبل امنیت از قونسول گرفته بودند وارد شدند، دستور داده شد که تفنگ، شمشیر، باروت و ... را به روس‌ها تحویل بدهند. پس از آن نیز روس‌ها با قشون چهارصدنفری با یک عراده توپ راهی گمیش‌تپه شدند. گمیش‌تپه‌ای‌ها نیز آنچه از اسلحه و فشنگ داشتند تحویل دادند. روس‌ها به درون آلاچیق ترکمن‌های جعفربای رفته

هر آنچه از تفنگ و فشنگ داشتند گرفته، پول و نقره و حتی گوسواره‌های طلای زنان را از گوش آنان در آوردند. در هر خانه‌ای از قالی و قالیچه هر چه بود جمع کرده به آق‌قلعه فرستادند. (مقصودلو، ۱۳۶۳: ۵۲۱-۵۲۰) به این ترتیب روس‌ها به غرب ترکمن‌صحرا مسلط شده و خواسته‌های خود را عملی کردند.

بعضی از سران ترکمن نیز به طرف مازندران گریخته و به امیرمؤیدسوادکوهی پناه بردند. روس‌ها به محض متوجه شدن موضوع به امیرمؤید فشار آوردند که اگر سران ترکمن را تحویل ندهید، روس‌ها مستقیماً وارد عمل شده قشون خود را اعزام خواهند کرد. (ترکمان، ۱۳۷۸: ۱۶۲) درگیری‌های پراکنده ترکمن‌ها در اقصی نقاط هنوز هم ادامه داشت و خطر جنگ به طور کامل مرتفع نشده بود. در ۱۱ ژانویه ۱۹۱۷ م. ترکمن‌هایی که در صحرای کنیزک زیر حد فندرسک مستقر شده بودند به همراه خانواده‌های خود به کتینک جای (گینگ جای) رفتند. ترکمن‌های طایفه داز که روس‌ها نزدیک به هزارخانه آن‌ها را به غارت برده بودند در محل اتراق طایفه ایمر کمین کرده و به آن‌ها حمله کردند. بیش از یکصد نفر از روس‌ها کشته شدند. پس از شش ساعت جنگ، ترکمن‌ها عقب‌نشینی کردند. نزدیک به شش هزار خانوار ترکمن چاروا، گوسفند، شتر و آنچه از لوازمات زندگی داشتند برداشته به سمت کتیک (گینگ جای) و سونفگی داغ عقب‌نشینی کردند. روس‌ها مظنون بودند که مهدی‌شاه میرپنجه فندرسکی ترکمن‌ها را تحریک می‌کند. به این ترتیب ترکمن‌هایی که از آق‌قلعه تا گنبد مستقر بودند هم عقب‌نشینی کردند. روس‌ها نیز هر قدر توانستند اسباب‌های قیمتی را غارت کردند و به آق‌قلعه فرستادند. در پایان ژانویه ۱۹۱۷ م. جنگ روس‌ها و ترکمن‌ها در گینگ جای، آخرین سنگر ترکمن‌ها، به مدت سه‌شنبه‌روز ادامه داشت. ترکمن‌ها که آخرین سنگرشان گینگ جای بود و جایی برای فرار نداشتند با ساده‌ترین امکانات از جمله دست، پنجه و شمشیر به مقابله پرداختند. در نهایت نیز به طرف کردستان (بجنورد) متواری شدند. در این نبرد به قدری از ترکمن‌ها کشته شدند که بیابان بوی تعفن گرفت. (مقصودلو، ۱۳۶۳: ۵۲۳-۵۲۵) از کشته شده‌گان ترکمن در حدود یک فرسخ^۱ نعش اموات ریخته شده بود. (وزارت‌امور خارجه، ۱۳۷۲: ۳۴۸) این آخرین نبرد هماهنگ و همسو ترکمن‌ها بود که به

^۱ بیش از شش کیلومتر.

صورت بسیار فجیعی بسیاری از آنان کشته شدند. پس از آن قشون روس نیز به گنبد مراجعت کرد. در همین حین یک عرابه اموال غارت شده ترکمن‌ها را که هشت نفر قزاق به شهر آق‌قلعه حمل می‌کردند، مورد حمله گروهی از ترکمن‌ها قرار گرفتند. هم‌زمان شایع شد که افغان‌ها به سبب هم‌مذهبی با ترکمن‌ها به امیر بخارا ایراد گرفتند که چرا به کمک ترکمن‌ها راهی نمی‌شوید. هم‌چنین شایع شد که قشونی از طرف عثمانی برای کمک به ترکمن‌ها عازم استرآباد شده است. در ۲۷ ماه‌ژانویه ۱۹۱۷ م. نیز سه نفر ترکمن به نام‌های افغان‌قاضی از طایفه جعفریای، محمدخان ایلغی (یلقی) و حاجی‌آدینه‌بای اتابایی از راه شاهرود به طهران رفته تظلم‌خواهی نمودند (مقصودلو، ۱۳۶۳: ۵۲۵-۵۲۳) اما به نظر می‌رسد هیچ نتیجه‌ای برای ترکمن‌ها در بر نداشت. به این ترتیب شکست ترکمن‌ها قطعی شد و ترکمن‌صحرا و استرآباد تحت سیطره روس‌ها قرار گرفت.

۳-۲. ایجاد کلنی‌نشین روسی در استرآباد

کلنی‌سازی روس‌ها در شرق دریای خزر به تمهید مقدمات نیاز داشت که طی چندین سال صورت گرفت. به نوشته مکنزی کنسول بریتانیا در رشت، بی‌تردید سیاست روس‌ها استقرار در سواحل دریای خزر بود. ولی این مهم نیازمند تمهید مقدمات بود که مهم‌ترین گام جهت استقرار در سواحل شرقی خرید اراضی خضرخان در حومه گمیش‌تپه بود. (مکنزی، ۱۳۵۹: ۱۸۱) منابع از خرید زمین توسط روس‌ها و نمایندگان آن‌ها به بهانه‌های مختلف حکایت دارد. از جمله یکی از این خریدها توسط مسیوگوسک صورت گرفت که هنگام ورود به استرآباد با اسکان در منزلی که برایش مهیا شده بود، مخالفت نموده، عملاً بیشترین فشار را برای خرید یک قطعه زمین آورد تا در آنجا مکانی برای اقامت خود بنا کند. (تیلور، ۱۳۸۹: ۲۳) یک سال بعد کنسول‌ابوت از استقرار روس‌ها در جزیره آشورآده گزارش می‌دهد. جزیره‌ای که روس‌ها در آن تاسیساتی به راه انداخته‌اند. (ابوت، ۱۳۹۶: ۱۰۴) اولین مهاجران روس‌ها به استرآباد و ترکمان، هشت خانوار بودند که در سال ۱۹۱۳ م. با رضایت نامه تراکمه توسط کمیسر سرحدی روس ژنرال‌لدروف در اراضی ترکمان ساکن شدند که ترکمن‌ها هیچ عکس‌العملی نشان ندادند. (ساکما، ۱۷۴۸-۲۹۳) حضور مهاجران روسی در اوایل قرن بیستم، هم‌زمان با آغاز جنگ جهانی اول و ورود نیروهای روسی به خاک ایران و ساخت سکونت‌گاه‌هایی در استرآباد و مازندران با

حمایت دولت روسیه روزبه‌روز بیشتر شد. در همین دوره زمین‌های مرغوب کشاورزی منطقه توسط روس‌ها تصاحب شد. (آندری‌یوا، ۱۳۸۸: ۷۳) هم‌زمان با قیام سال ۱۹۱۶ م. چهارخانه از هشت خانواری که در سال ۱۹۱۳ م. ساکن شده بودند، در زیر آتش سوخت که چهار خانواده باقی‌مانده با کمک ژنرال مادریتوف به نزدیکی شهر گنبد در همسایه‌گی طایفه ایگدر سکنی داده شدند. (ساکما، ۱۷۴۸-۲۹۳)

در ژانویه ۱۹۱۷ م. ژنرال کوروپاتکین فرمانده نظامی ترکستان که مدافع سرسخت اسکان روس‌ها و کُلنی سازی بود، جدای از سرکوب قیام ترکمن‌ها، با حمایت جدی از مهاجران روسی، از مادریتوف خواست که بهترین شرایط ممکن را برای سازمان‌دهی مجدد آبادی‌های مهاجرنشین روس در سرزمین پهناور ایالت استرآباد فراهم نمایند. (نورائی، ۱۳۸۸: ۳۲) به این ترتیب روز به روز بر آمار مهاجران افزوده شد و آنان برای خود سکونتگاه و روستاهایی تشکیل دادند که برخی از روستاها هنوز هم نام روسی خود را حفظ کرده‌اند.

۳-۳. خروج روس‌ها از استرآباد

بدون‌شک یکی از دلایل تخلیه شمال کشور توسط روس‌ها، سقوط رژیم تزاری بود. بنابر این نخست وزیر دولت انقلابی، کرنسکی به فرماندهان قوای روس در ایران دستور تخلیه خاک ایران را صادر کرد. (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۶۹: ۶۹؛ ملک‌الشعراء، ۱۳۸۰: ۲۶) از دلایل دیگر، انقلاب گیلان به رهبری میرزا کوچک‌خان بود که روس‌ها مجبور شدند، نیروهای خود را به آن منطقه اعزام نمایند. (مقصودلو، ۱۳۶۳: ۵۲۵) لشکرکشی روس‌ها علی‌رغم هزینه زیادی که داشت، بدون این که نتیجه خاصی داشته باشد به پایان رسید. در مقابل سرزمین استرآباد و ترکمن‌ها به غارت رفته و خسارات جبران‌ناپذیری به آن‌ها وارد شد. خیلی از خانواده‌ها عزادار شدند، اموال و احشام آن‌ها به غارت رفته و مدت‌ها در صحرا سرگردان بودند. جنگ روس‌ها با ترکمن‌ها برای روس‌ها هم خیلی گران تمام شده بود. وزیر جنگ قفقاز ادامه جنگ را صلاح نمی‌دانست، بنابر این با تغییر فرماندهی، درصدد آشتی با ترکمن‌ها برآمدند. روس‌ها با فرستادن ساعدالسلطنه و سالاراشرف به دلجویی ترکمن‌ها پرداختند و سعی نمودند تا زندگی آنان را به روال عادی برگردانند، اما ترکمن‌ها خواهان دریافت غرامت جنگی به مبلغ پانزده هزار تومان شدند. (مقصودلو،

۱۳۶۳: ۵۰۰-۵۱۹) عملکرد روس‌ها در ایالت مرزی استرآباد همانا سخن محمدولیخان خلعت‌بری، معروف به سپهسالار که نقش بسیار مهم و تاثیرگذاری در پیروزی انقلاب مشروطه در ایران داشت را در ذهن تداعی می‌کند که در یادداشت‌های ۲۲ فوریه ۱۹۱۶ م. در باره دخالت روس‌ها چنین نوشته است:

«... فی الحقیقه حکم و حکومت با روس و انگلیس را هم روس‌ها راه می‌برند، دو روز است که سفیر کبیر دولت عثمانی را که در تهران مأمور و مهمان دولت و امنیت داشت در دولت ایران، عساکر روس اسیر کرده به روسیه بردند، عساکر روس که حالیه در نقاط ایران هستند و (خلعت‌بری، ۱۳۶۲: ۳۳۷)

به این ترتیب و پس از این شکست، چهل و پنج هزار خانوار ترکمن تبعه دولت ایران همگی خلع سلاح شدند. اراضی دشت یموت و گوکلان که تقریباً چهار فرسخ از استرآباد تا سملقان و سرحد بجنورد را شامل تخمیناً چهل فرسخ می‌شد، تماماً حاصلخیز، جنگل و چمنزار و در حقیقت زرخیز بود در اختیار روس‌ها قرار گرفته و آن‌ها مشغول ایجاد شهر و بازار شدند. قصد آن‌ها کوچاندن ترکمن‌ها به روسیه و جایگزینی روس‌ها در این منطقه بود. در پایان از ترکمن‌ها خواسته شد که نصف اموال خود را در اختیار روس‌ها قرار دهند. (وزارت امور خارجه، ۱۳۷۲: ۳۵۴) پس از آن نیز روس‌ها عده‌ای از مالکان و اهالی را از روسیه به ایران آورده در حدود گنبد قابوس سکنی دادند. اراضی و محل زراعت ترکمن‌ها نیز به آن‌ها واگذار شد. (وزارت امور خارجه، ۱۳۷۲: ۳۹۰)

در نتیجه عملیات نظامی روس‌ها، حدود یکصد هزار گوسفند، چهار هزار و پانصد نفر شتر، هزار و دویست راس اسب و مقدار زیادی هم آلاچیق از تراکمه یموت و قدری هم از گوکلان غنائم گرفته شد. در این درگیری‌ها، آتابایی‌ها تقریباً دارای سه هزار آلاچیق بودند، حدود پانزده هزار نفر از آنان و جعفربایی‌ها که قریب به بیست و پنج هزار نفر، مورد ظلم، ستم و تعدی قرار گرفتند. مادریتوف اموال به دست آمده را بین خسارت دیدگان روسی تقسیم کرد که این کار موجب رنجش ترکمن‌ها را فراهم آورده باعث تهییج آن‌ها علیه روس‌ها شد. پس از این رخداد تاریخی و تغییر رویکرد روس‌ها با تغییر جایجایی فرماندهان آن‌ها، آنان برای دلجویی از ترکمانان اقدام به فعالیت‌هایی دیگر

زدند. روس‌ها بر اهمیت این منطقه صحه گذاشته بودند، تصمیم گرفته شد که اقدامات مجدانه‌ای برای جلب نظر اهالی و ... صورت بگیرد. بنابر این تاکید شد که برای ایجاد امنیت داخلی در ترکمن صحرا، به هر طریق ممکن ترکمن‌ها را با خود سازگار نموده بی‌عدالتی‌ها و اختلافاتی که قشون مادریتوف ایجاد کرده را اصلاح نمایند. در همین راستا مقرر گردید برای ترکمن‌هایی که گرفتار بیماری حصبه شده بودند کمک‌های بشر دوستانه خود را دریغ نکنند. هم‌چنین بدون فوت وقت بذره‌های مورد نیاز ترکمن‌ها را تهیه نمایند و حتی مساعده پولی و نقدی خود را نیز دریغ نکنند.

تصمیم بر آن شد که کمیسیونی با حضور نماینده روس و از هر طایفه ترکمن نیز سه نفر که یکی از آن‌ها کدخدا باشد به عنوان نمایندگان هر طایفه برای دریافت کمک‌های روس‌ها و نیز به عنوان نمایندگان طوایف برای انواع مذاکرات معرفی شوند. از عمده وظایف این افراد، تسهیم آذوقه و کمک‌های دیگر روس بین مردم، کمک به برقراری روابط حسنه ترکمن‌ها با روس‌ها، برقراری روابط حسنه ترکمن‌ها با مهاجرین روس و ... بود. علاوه بر آن، این کمیسیون قصد داشت که ضمن دلجویی، ترکمن‌ها را به سوی دولت روس جذب کرده آنان را با خود همراه نمایند.

کمیسیون در ادامه کار خود برای ایجاد فضای صلح و دوستی سعی در اقناع ترکمن‌ها جهت اتحاد با روس‌ها داشت. آن‌ها برای ایجاد اتحاد و دوستی دست به اقداماتی دیگر زدند که برخی از موارد به قرار ذیل می‌باشد:

- ترتیبی اتخاذ گردید که مساعدت آذوقه و شخم‌کاری تا مبلغ دوست‌هزار تومان برای ترکمن‌ها اعتبار و بودجه در نظر گرفته شود.
- به فوریت حقوق اراضی ترکمن‌های طایفه ایگدر به رسمیت شناخته شود.
- واگذاری زمین‌های بائر برای مهاجرین روسی که با اشغال آن‌ها ترکمن‌ها در مضیقه قرار نگیرند.
- بازگرداندن حیوانات و رمه ترکمن‌ها که ضبط و تسلیم مهاجرین شده بود.
- بررسی و انحلال آن چه که کمیسیون مزبور به اتفاق نمایندگان لازم بداند که متدرجا مطرح شود. (ساکما. ۳۸۴۸-۲۹۳)

۳-۴. موضع دولت ایران

در طول مدت درگیری ترکمن‌ها با روس‌ها، حاکم استرآباد فقط به ارسال گزارش‌هایی بسنده کرد، در هیچ کدام از این گزارش‌ها، نگاه حمایتی دولت‌مردان ایران از ترکمن‌ها وجود ندارد بلکه در تمام این گزارش‌ها ترکمن‌ها را از رؤیایی با روس‌ها منع می‌کنند. (بیات، ۱۳۸۱: ۳۶۰) حتی در برخی از گزارش‌هایی که حاکم وقت استرآباد به تهران فرستاد، ترکمن‌ها را یاغی، اشرار و متمرّد جلوه داده و برای ساکت کردن آن‌ها نیروهایی نیز راهی کرد. (ساکما، ۱۷۴۸-۲۹۳)

۳۷۵

در ۱۲ دسامبر ۱۹۱۶ م. کمیته دفاع ملی تهران به امیرمؤید نوشت، با توجه به این که ترکمن‌ها در شمال با روس‌ها درگیر هستند و آن‌ها توسط مهدی شاه فندرسکی تقاضای کمک کرده‌اند، اما به نظر می‌رسد که ظاهراً شما جواب نداده‌اید. انتظار است، شما که از رجال با حُسن و با حمیت ایران هستید به وظایف قیام‌ملی خود ثابت قدم بمانید. جناب‌امیرمؤید، چگونه مردانگی و شهامت شما اقتضاء می‌کند که برادران ترکمان و استرآبادی شما در فاصله نزدیکی با دشمنان و ملیت ایران در حال جنگ باشند و شما با خیال راحت در گوشه امن نشسته باشید. (ترکمان، ۱۳۷۸: ۱۴۸-۱۴۷) کمیته دفاع ملی هم فقط به همین یک نامه نصیحت‌آمیز به امیرمؤید بسنده کرد و هیچ اقدام عملی دیگری در راستای حمایت از ترکمن‌ها و استرآبادی‌ها در مقابل روس‌ها انجام نداد. از طرف دیگر، این که امیرمؤید نیروی کمکی در مقابل روس‌ها به استرآباد فرستاد یا نه، در هیچ منبع دیگری اشاره نشده است. اما اتفاقات بعدی نشان می‌دهد که وی حداقل مانند حاکم استرآباد از روس‌ها حمایت نکرد، بلکه حتی از سران ترکمنی که بعداً به وی پناه آوردند، حمایت نمود اما عملاً وارد جنگ با روس‌ها نشد.

ترکمن‌های یموت که در مقابل قشون مسلح روسی شکست را پذیرا شده بودند. بسیاری از زمین‌ها را به قوای نظامی روس واگذار کردند. اما حکومت ایران هیچ‌گونه اعتراض و عکس‌العملی از خود نشان نداد. در بسیاری از نقاط استحکاماتی بنا شد، به این ترتیب مشخص شد که حکومت ایران در مناطق ترکمن‌نشین هیچ قدرت و نفوذی نداشته و ندارد. (لوگاشوا، ۱۳۵۹: ۱۳۶) هر چند که وزارت خارجه ایران پس از این رویدادها که در واقع تعرض به تمامیت ارضی ایران به شمار می‌رفت. طی نامه‌ای



اعتراض آمیز به سفارت روس، خواستار بازگرداندن اموال و احشام ترکمن‌ها شد. اما عملاً اقدامی مؤثر صورت نگرفت. (نوری، ۱۳۹۷: ۲۰۷) تا این که شرایطی پیش آمد تا روس‌ها مجبور به ترک مناطق شمالی ایران شدند.

نتیجه‌گیری

پرسش اصلی مقاله حاضر این بود که؛ علت حضور روس‌ها در درون خاک ایران در سال ۱۹۱۶ چه بود و ترکمن‌ها و اهالی استرآباد علیه روس‌ها چه واکنشی نشان دادند؟ فرضیه مطرح شده در پاسخ به سؤال اصلی این بود که؛ شورش ترکمن‌ها علیه روس‌ها ریشه در سیاست‌های استعماری آن دولت مبتنی بر سربازگیری از میان آنان و سایر اهالی استرآباد جهت اعزام به جبهه‌های جنگ اول جهانی داشته که این اقدام با مقاومت ترکمن‌های ایالت استرآباد مواجه شده است. بررسی موضوع بر اساس مدارک و شواهد تاریخی موجود نشان می‌دهد که ورود قدرت‌های جدید به عرصه جنگ جهانی اول، دولت روس را در تنگنا قرار داد. به طوری که آن‌ها را مجبور ساخت تا نسبت به سربازگیری و استخدام کارگر در میان جمهوری‌های تابعه خود اقدام نمایند. این امر در بیشتر نقاط با مقاومت و شورش جمهوری‌ها و از جمله ترکمن‌های ترکمنستان مواجه گردید. در این میان روس‌ها پا را فراتر گذاشته و از ضعف حکومت مرکزی ایران قاجاری سوء استفاده نموده در صدد استخدام کارگر و سربازگیری از ترکمن‌های ایران شدند. در ایران نیز ترکمن‌ها به همراه سایر ساکنان استرآباد علیه آن‌ها قیام نمودند و در نتیجه به شورش‌هایی که از خانان آسیای مرکزی شروع شده بود پیوستند. در خلال جنگ و با اشغال نواحی شمال ایران توسط روس‌ها مرزهای ما بین دو کشور بار دیگر مفهوم خود را از دست دادند و روابط ترکمن‌های دو سوی مرز به دوران قبل از قرارداد آخال بازگشت و هر دو گروه در مقابل دشمن مشترک خود یعنی روس به قیام پرداختند و از اعزام جوانان خود به جبهه‌های جنگ امتناع ورزیدند. دولت مرکزی ایران علی‌رغم اعلام موضع بی‌طرفی در جنگ، شاهد اشغال نواحی شمالی کشور توسط نیروی‌های روسی بود، و یارای مقاومت در مقابل فزون‌خواهی‌های دولت روس و هم پیمانانش را نداشت. دولت مرکزی ایران با توجه به ضعف حاکمیتی و ساختاری خود، فاقد اراده لازم جهت دفاع از اتباع خود شده بود.

منابع

- آبادیان، حسین، (۱۳۹۵) جنگ جهانی اول تا کودتا، چاپ سوم، تهران، انتشارات موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی،
- آندری‌یوا، النا، (۱۳۸۸) روسیه و ایران در بازی بزرگ، ترجمه اله‌کولائی و محمد کاظم شجاعی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ابوت، کیث‌ادوارد، (۱۳۹۶) شهرها و تجارت ایران در دوره قاجار، ترجمه سید عبدالحسین رئیس‌السادات، تهران، امیرکبیر.
- بهار، ملک‌الشعراء، (۱۳۸۰) تاریخ مختصر احزاب سیاسی، جلد اول، تهران، چاپ ششم. امیرکبیر.
- بیات، کاوه، (۱۳۸۱) ایران و جنگ جهان اول، چاپ دوم، تهران، انتشارات سازمان اسناد ملی ایران.
- تامسن، تایلور، (۱۳۸۹) «روسیه، دریای مازندران و استرآباد» ترجمه محمدعلی کاظم‌بیگی، فصل‌نامه مطالعات تاریخی، سال هفتم، شماره ۲۸.
- ترکمان، محمد، (۱۳۷۸) اسناد امیر مؤید سواد کوهی، چاپ اول، تهران، نشرنی.
- جمشید قائمی، (۱۳۸۸) سردار رفیع یانسری، تهران، انتشارات دانشگاه آزاد شهر ری.
- خلعتبری، محمد ولیخان، (۱۳۶۲) یادداشت‌های سپهسالار تنکابنی، گردآوری امیر عبدالصمد خلعت‌بری، بکوشش محمود تفضلی، تهران، انتشارات نوین.
- رنه گروسه، (۱۳۷۹) امیراطوری صحرا نوردان، مترجم، عبدالحسین میکده، چاپ چهارم تهران، علمی و فرهنگی.
- روزنامه ارشاد، شنبه ۲۴ صفر ۱۳۳۴ ق.
- سارلی، اراز محمد، (۱۳۸۳) تاریخ ترکمنستان، چاپ دوم، جلد دوم، تهران، انتشارات وزارت خارجه.
- سارلی، اراز محمد، (۱۳۹۵) روزنامه ماورای خزر، گرگان، انتشارات مختمقلی فراغی.
- شیخ‌الاسلامی، جواد، (۱۳۶۹) علل افزایش نفوذ سیاسی روس و انگلیس در ایران، تهران، موسسه کیهان.
- لوگاشوا، بی‌بی‌رابعه، (۱۳۵۹) ترکمن‌های ایران، ترجمه سیروس ایزدی و حسین تحویلی، تهران، شباهنک.
- معطوفی، اسدالله، (۱۳۸۴) تاریخچه چهار شهر ترکمن نشین، گرگان، مختمقلی فراغی.
- مقصودلو، حسینقلی، (۱۳۶۳) مخابرات استرآباد، جلد اول، تهران، نشر تاریخ ایران.
- مکنزی، چارلز فرانسیس، (۱۳۵۹) سفرنامه شمال، ترجمه منصوره اتحادیه، تهران، نشر گستر.
- میروشنیکف، ل. ی، (۱۳۴۴) ایران در جنگ جهانی اول، ترجمه، ع. دخانیاتی، تهران، امیرکبیر.

نصیری مقدم، محمدنادر، (۱۳۷۴) *گزیده‌های از اسناد دریای خزر و مناطق شمالی ایران در جنگ جهانی اول*، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.

نظری، منوچهر، (۱۳۹۷) *روسای مجلس ایران*، تهران، انتشارات کویر.

نورائی، مرتضی و النا آندریوا، (۱۳۸۸) «مهاجران روس و اسکان آن‌ها در ایران اوایل قرن بیستم» *پژوهش‌های تاریخی (علمی - پژوهشی)*، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، دوره جدید، شماره ۴.

نوری، مصطفی، (۱۳۹۷) *سرگذشت اسماعیل خان امیر موید باوند*، تهران، انتشارات شیرازه کتاب ما. وزارت امور خارجه، (۱۳۷۲) *اسنادی از روابط ایران با مناطقی از آسیای مرکزی*، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.

یاروشوسکی، دوب، ان‌شیهی و میرحسین یکرنگیان، (۱۳۹۲) *خوارزم سرخ*، مترجم کاوه بیات، تهران، انتشارات پردیس دانش.

اسناد کتابخانه ملی ایران. ۲۹۳-۳۸۴۸.

اسناد کتابخانه ملی ایران. ۲۹۳-۱۷۴۸.